

The relationship between the administration of justice and the reduction of corruption for the realization of modern Islamic civilization with an emphasis on the life of Imam Ali (AS)

Ibrahim Momeni *

Received on: 23/11/2023

Saeed Khodadadi **

Accepted on: 09/04/2024

Aliasghar Shoaee ***

Mehdi Vahidi Asl ****

Abstract

Purpose: Among the goals that can be considered for this research is to prove that the administration of justice leads to the reduction of corruption, and it is well seen in the biography of Imam Ali (a.s.) that the implementation of justice causes the reduction of corruption in the society.

Methodology: The method used in this article is the descriptive-analytical method in such a way that the biography of Imam Ali (AS) is analyzed and investigated in this context and it is tried to use documentary sources to reach the topics.

.....
* Ph.D. student of Islamic Studies, Department of Islamic Studies, University of Islamic Studies, Qom, Iran.

ziste.akhlghi@gmail.com

 0000-0002-3180-2386

** Assistant Professor of Islamic Revolution, Department of Islamic Studies, Lorestan University, Lorestan, Iran. (Corresponding Author).

Saidkhod1368@gmail.com

 0000-0001-8915-0176

*** Assistant Professor of the Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Quranic Sciences and Education, Qom, Iran.

Shoaee114@gmail.com

 0000-0001-9502-4686

**** Senior student of philosophy of social sciences, University of Tehran, Islamic Republic of Iran.

m.vahidi1412@gmail.com

 0009-0002-8623-0423



Findings: Among Western thinkers, there are different theories about justice, some believe that the implementation of justice is either not possible, or that it prevents progress and progress, or that justice is only a moral category. There are problems with these views: firstly, justice is a comprehensive concept and includes all matters of human life. Secondly, the implementation of justice has both the possibility of proof and the possibility of proof; Because throughout history there have been people who have been able to implement a certain amount of justice in society. Thirdly, the implementation of justice is not only an obstacle to progress, but also a factor and a driver for progress. In the Alevi way of life, "execution of justice" is considered possible; The reason is that he himself implemented justice in the society, in addition, he considered the implementation of justice in "all aspects of human life" as mandatory. The great efforts of His Holiness for the complete implementation of justice in the society and his recommendations regarding the necessity of realizing justice in all aspects of life, show his concern and attention to the category of justice and the wide scope of this concept, and it was basically to achieve this goal that he The position of martyrdom was achieved. Also, the four reasons mentioned in the text of the research show that, from their point of view, justice always leads to the decline of corruption.

Conclusion: Finally, what is observed among western and Islamic thinkers and also in Alavi tradition is that "there is a direct relationship between the administration of justice and the reduction of corruption, and the administration of justice causes the reduction of corruption in the society". As a result, the implementation of justice in the society provides the basis for the realization of the new Islamic civilization.

Keyword: Justice, corruption, modern Islamic civilization, Alevi way of life, reduction of corruption.

رابطه‌ی اجرای عدالت با کاهش فساد برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر سیره‌ی امام علی (ع)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲

ابراهیم مؤمنی *

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۱

سعید خدادادی **

علی اصغر شعاعی ***

مهدی وحیدی اصل ****

چکیده

مبارزه با فساد و تأمین عدالت، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی تمامی جوامع بشری از گذشته تاکنون بوده است. چراکه برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی لازم است که فساد در جامعه از بین برود؛ فلذا این سؤال مطرح می‌شود که اجرای عدالت در حکومت امام علی (ع) چگونه باعث کاهش فساد می‌شد؟ نوشتار حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای به سؤالات مذکور پاسخ داده و دستاوردهایی را به دنبال داشته است اینکه در سیره‌ی علوی مفهوم عدالت دارای جایگاه ویژه‌ای است به گونه‌ای که ایشان بر اجرای عدالت در تمامی ابعاد حکومت اسلامی تأکید کرده و آن را عامل بازدارنده از فساد قلمداد کرده‌اند و در صحنه‌ی زندگی اجتماعی حکومت زمان خود، آن را به بهترین نحو پیاده نموده‌اند. آنچه بعد از بررسی آرای مخالفان و موافقان و سیره‌ی امیرالمؤمنین به دست می‌آید، آن است که بین اجرای عدالت و کاهش فساد رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. این نگاشته، مبتنی بر سیره امام علی (ع) چهار دلیل برای این نکته که اجرای عدالت باعث کاهش فساد می‌شود تبیین نموده است.

کلمات کلیدی: عدالت، فساد، تمدن نوین اسلامی، سیره‌ی علوی، کاهش فساد.

* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

0000-0002-3180-2386

ziste.akhlaghi@gmail.com

** استادیار انقلاب اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. (نویسنده مسئول).

0000-0001-8915-0176

Saidkhod1368@gmail.com

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

0000-0001-9502-4686

Shoaei114@gmail.com

**** دانشجوی ارشد فلسفه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

0009-0002-8623-0423

m.vahidi1412@gmail.com



بیان مسئله

عنصر فساد از جمله موضوعاتی است که همواره در بطن جوامع وجود داشته و قدمتی به اندازه تشکیل جوامع و تکوین تمدن‌ها دارد. پدیده‌ی فساد در هر جامعه‌ای، به شیوه‌های خاصی وجود داشته و همواره از مهم‌ترین معضل‌هایی بوده که بشر با آن درگیر بوده است؛ به گونه‌ای که ابن خلدون درباره‌ی عوامل ظهور و سقوط تمدن‌ها می‌گوید: عامل اصلی فروپاشی و زوال حکومت‌ها اسراف، تبذیر و فساد در دستگاه حکومتی از جانب دولتمردان و حاکمان است (وثوقی و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۲۶). جوامع امروزی نیز به انحاء گوناگون و در سطوح مختلف درگیر این معضل هستند و از این رو برای از بین بردن و ریشه‌کن نمودن آن تلاش‌هایی نیز انجام داده‌اند؛ اما با توجه به پیچیدگی شیوه‌های وقوع فساد، روش مقابله با آن نیز مشکل می‌شود.

یکی از این نظریه‌ها و شیوه‌هایی که از منظر بسیاری از اندیشمندان برای مبارزه با فساد مطرح شده و در مواردی هم در عمل رخ نموده است، اجرای عدالت در جوامع در همه‌ی ابعاد آن است و با لحاظ این تأثیر و تأثر در طول تاریخ برای اجرای عدالت، تلاش‌های قابل توجهی شده است که نمود آن در بررسی‌های تاریخی کاملاً مشهود است. پرسشی که این نوشتار در صدد پاسخ‌گویی بدان است چگونگی تأثیر مکانیسم اجرای عدالت بر کاهش فساد مبتنی بر سیره‌ی امام علی (ع) است.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

در رابطه با عنوان رابطه‌ی کاهش فساد و اجرای عدالت و ظهور تمدن نوین اسلامی در برخی نوشته‌ها مطالبی ارائه شده است که در ذیل مورد تحلیل قرار خواهد گرفت:

سید محمود میرخلیلی، مروت علی عسگری و مجتبی بهرامی گرو در مقاله‌ی «نقش عدالت سازمانی در پیشگیری از فساد اداری» به نقش عدالت سازمانی به عنوان مفهومی در علم مدیریت در پیشگیری از فساد اداری اشاره نموده‌اند ولی به بررسی این نقش در سیره‌ی امام علی (ع) نپرداخته است. لاله افتخاری مقاله‌ای با عنوان «رسالت کارگزاران نظام اسلامی در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر عهدنامه‌ی مالک اشتر)» نوشته است که در این مقاله با بهره‌گیری از عهدنامه‌ی مالک اشتر، رسالت مسئولان در جهت مواجهه با آسیب‌های اجتماعی را مورد بررسی

قرار داده که یکی از این آسیب‌ها فساد می‌باشد؛ ولی به نقش اجرای عدالت در کاهش فساد اشاره‌ای نشده است. محمدناصر سقایی بی‌ریا در مقاله‌ی «مقایسه سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء و طاغوتیان از دیدگاه قرآن» سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء عظام و در مقابل آن‌ها سنن اجتماعی طاغوتیان از دیدگاه قرآن کریم را مورد تحلیل و بررسی قرار داده که یکی از این سنن اجرای عدالت می‌باشد، ولی به این موضوع که می‌تواند موجب کاهش فساد شود، اشاره‌ای نکرده است.

با توجه به اینکه در زمینه‌ی رابطه اجرای عدالت با کاهش فساد با تأکید بر سیره‌ی امام علی (ع)، تحقیقی صورت نگرفته است که به این دو جنبه یعنی رابطه‌ی اجرای عدالت با کاهش فساد و اینکه در سیره‌ی امام علی (ع) این رابطه را یافته باشد، اشاره داشته باشد؛ فلذا این نوشتار عهده‌دار این امر است.

۲. روش پژوهش

روشی که در این مقاله مورداستفاده قرار گرفته، روش توصیفی-تحلیلی است به این صورت که سیره‌ی امام علی (ع) در این زمینه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و تلاش می‌شود که از منابع اسنادی برای دستیابی به مباحث استفاده شود.

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

۳-۱. مفهوم عدالت

عدالت در لغت به معنای دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری به‌کاررفته و عدالت اجتماعی آن است که قاطبه‌ی افراد جامعه از آن برخوردار باشند (معین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۲۷۹). برخی از واژه‌شناسان عدالت را به تساوی تقسیم کردن چیزی تعریف نموده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۵۱)؛ رعایت برابری در پاداش و کیفر دادن به دیگران: اگر عمل نیک است پاداش و اگر بد است، کیفر داده شود (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۴۲۱)؛ در موارد دیگری البته معانی متفاوتی به خود گرفته است ولی همه‌ی آن‌ها حول محور برابری و رعایت انصاف و پرهیز از ستمگری می‌چرخد، از این رو گفته‌اند رضایت داشتن از مردم در قول و حکمشان و همچنین حکم به‌حق کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۸) یا اینکه عدالت مخالف ظلم و ستم است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۷۶۰).

اما در اصطلاح عبارت است از قرار دادن هر چیز در جای خود. در همین رابطه از امام علی (ع) سؤال شد که از عدل و جوّد کدام یک برتر و ارزشمندتر است؟ امام فرمود: عدل امور را به جای خود می‌نهد؛ اما جوّد امور را از جهت اصلی خارج می‌کند (سید رضی، ۱۳۸۴، کلمات قصار، کلمه ۴۲۹).

تعریف شاخصی که از عدل صورت گرفته نیز بر همین مبناست: «وَضْعُ كُلِّ شَيْءٍ فِي مَا وَضَعَهُ؛ قرار دادن هر چیز در جای مناسب آن».

شهید مطهری در تحلیل مفهوم عدالت و کارکردهای مختلف آن، موارد زیر را دخیل دانسته است:

الف. توازن و تعادل در جهان طبیعت: جهان دارای نظم، تناسب و تعادل است که در مجموع نظام عالم مطرح می‌باشد.

ب. تساوی: گاهی کلمه عدل به معنای تساوی است. البته در جایی که «شرایط مساوی» حاکم باشد.

ج. تفاوت: گاه عدالت در شرایط متفاوت نسبت به فرد و جامعه و بر اساس ظرفیت‌ها، استعدادها، استحقاق‌ها و نوع مجاهدت‌ها و مراقبت‌ها شکل می‌گیرد تا اولویت‌ها معنای حقیقی یابد.

د. دادن حق هر صاحب حقی: یا رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و حقوق.

هـ. قرار دادن هر چیزی در جای خود (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۸۴ - ۷۸).

برتراند راسل، در تعریف عدالت می‌گوید: «عدالت عبارت از هر چیزی است که اکثر مردم آن را عادلانه بدانند یا عبارت از نظامی است که آنچه را به تصدیق عموم، زمینه‌هایی برای نارضایتی مردم فراهم می‌کند، به حداقل برساند» (حکیمی، ۱۳۷۶، ش ۲ و ۳، ص ۴۴). در جمع‌بندی این موارد باید عنوان نمود که با وجود مشکل بودن تعریف عدالت و با نظر داشت تعریف واژه شناسان از این انگاره می‌توان گفت که عدالت قرار دادن هر چیز در موقعیتی که باید باشد و در عین حال شرایط دخیل در آن موقعیت نیز باید لحاظ شود.

۲-۳. مفهوم فساد

فساد در واقع بر فعل لاتین «Rumpere» به معنای شکستن مبتنی است؛ بنابراین در فساد چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود (کیانی منش، ۱۳۸۶)؛ به عبارت دیگر فساد به معنای بیرون رفتن از حد اعتدال است که با سوءاستفاده شخص یا پدیده فسادآلود از امکانات و منابع عمومی در جهت

کسب منافع شخصی آشکار می‌شود (ربیعی، ۱۳۸۳، ص ۲۹) و از لحاظ حقوقی، رفتار منحرف‌شده از ضوابط و وظایف رسمی یک نقش عمومی است که بنا به ملاحظات خصوصی یا ملاحظات قومی و منطقه‌ای رخ می‌دهد (هیود، ۱۳۸۱، ص ۴۷۵). در پیش‌نویس کنوانسیون مبارزه با فساد در شهر وین در سال ۲۰۰۳، شاخص‌هایی که یک پدیده باید از آن برخوردار باشد تا متصف به صفت فساد گردد بدین شرح بیان شده است:

۱. ارتکاب اعمالی که گویای اجرای ناسالم وظیفه یا سوءاستفاده از منصب باشد.
۲. داشتن هدف برای رسیدن به امتیازی خاص؛ پیشنهاد و یا مطالبه امتیاز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم.
۳. داشتن نفع برای کارگزار یا دیگری (ربیعی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۴۸).

۳-۳. انواع فساد

از منظر سازمان ملل متحد، فساد در اشکال مختلفی صورت می‌پذیرد که به‌طور کلی متداول‌ترین آن‌ها شامل اقسام زیر است:

۱. ارتشاء
۲. اختلاس، دزدی و کلاهبرداری
۳. اخاذی
۴. سوءاستفاده از نفوذ در شرایط برخورد منافع
۵. پیشنهاد یا پذیرش انعام و مساعده‌ی غیرقانونی
۶. تبعیض و پارتی‌بازی
۷. کمک‌های سیاسی غیرقانونی
۸. پول‌شویی (داداشی، ۱۳۹۰، ص ۲۱).

محققان و صاحب‌نظران نیز فساد را به اقسام ذیل تقسیم نموده‌اند:

الف. فساد خرد سازمان نیافته: به معنای اخذ رشوه‌های اندک از جانب کارکنان دولت برای رفع مشکلات است. همچنین زمانی که در موارد استثنایی از جانب کارمندی درخواست رشوه می‌شود، اما این کار به شکل سازمان‌یافته انجام نمی‌شود؛ «فساد فردی» صورت گرفته است.

ب. فساد سازمان‌یافته: زمانی رخ می‌دهد که بقای نظام‌ها به وجود فساد بستگی پیدا می‌کند که در این حالت درواقع، سازمان‌ها، مقررات و هنجارهای رفتاری با فساد تطبیق پیدا کرده‌اند.

ج. فساد بزرگ: هنگامی که مسئولان سطح بالای دولتی و سیاستمداران در قراردادهای و طرح‌های بزرگی که جنبه ملی دارند اعمال نظر می‌کنند و از این راه سودهای کلانی به دست می‌آورند (شکراللهی، ۱۳۷۹، ص ۷۲-۷۳).

در طول تاریخ، در زمینه‌ی مبارزه با فساد، نظریه‌ها و راه‌حل‌های مختلفی مطرح شده است که بسیاری از آن‌ها مورد آزمون قرار گرفته و بعضاً نتایجی قابل قبول به همراه داشته است. یکی از این نظریه‌ها و راه‌حل‌ها، «اجرای عدالت» است؛ بدین معنا که اجرای عدالت در تمامی ابعاد آن و به مقتضای شرایط، می‌تواند مانع از بروز فساد شود و از گسترش آن جلوگیری نماید.

مقوله‌ای که به جرئت می‌توان گفت مورد قبول همگان است و از گذشته‌های دور، اندیشمندان و جامعه‌شناسان و مصلحان اجتماعی تلاش‌های بسیاری برای اجرای آن انجام داده‌اند، اما در این میان، وجود دارند افرادی که به خاطر منافع شخصی یا گروهی خود تلاش می‌کنند اجرای عدالت را از مسیر خود منحرف کنند و یا به گونه‌ای وانمود سازند که اجرای عدالت نیازی نیست و یا عدالت را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که با اغراض آنان همراه باشد؛ بنابراین آنچه در این زمینه مهم است شناخت فساد، زمینه‌ها و ریشه‌کن نمودن آن در تمامی سطوح است.

۴. دیدگاه‌ها درباره عدالت

در مورد عدالت و مفهوم آن، در میان اندیشمندان اسلام و غرب دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در ادامه، ضمن طرح این دیدگاه‌ها، در مورد آنها بررسی و تحلیل لازمی که بتواند به ارائه‌ی راهکارهای مناسب بیانجامد صورت می‌گیرد.

۴-۱. عدالت در اندیشه‌ی متفکران غربی

در بین اندیشمندان غربی در باب عدالت، نظریات متفاوت و گسترده‌ای وجود دارد که در ادامه به اختصار برخی از این دیدگاه‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. قبل از آن به مبنای تفاوت میان آدمیان و بهره‌مندی از امکانات اشاره می‌گردد که هدف از بیان این نکته آن است که روشن شود هر تفاوتی را نمی‌توان بی‌عدالتی دانست.

در سنت محافظه‌کاری، انسان‌ها طبعاً از حیث توانایی و استعداد با هم متفاوت هستند، به همین دلیل، نابرابری اجتماعی و اقتصادی پدیده‌ای طبیعی است و هر کوششی برای از میان برداشتن نابرابری‌های اجتماعی، به شکست می‌انجامد؛ زیرا نابرابری در طبع انسان ریشه دارد. علاوه بر این، نابرابری‌های اجتماعی برای رشد و پیشرفت جامعه لازم است. عدم امکان برابر بودن با دیگران، برای کار و تلاش در فرد، انگیزه ایجاد می‌کند به‌گونه‌ای که از لحاظ سیاسی، تلاش برای ایجاد برابری مصنوعی در جامعه، به استبداد منجر می‌شود (بشیریه، ۱۳۹۰، ص ۱۸۰).

اما لاک در کتاب برابری اجتماعی و نیز در کتاب کار و رفاه عمومی معتقد است: نظریه‌ی برابری اجتماعی سفسطه‌ای بیش نیست؛ زیرا در این مقوله برابری به معنای پایان ترقی و رشد است. در تاریخ، هر پیشرفتی، چه در زمینه‌ی اقتصادی و چه در عرصه‌ی فرهنگی، نتیجه‌ی خواسته‌ی انسان‌ها برای نابرابری بوده است. اگر امید و امکان نابرابری در بین انسان‌ها نباشد، افراد از حد کوشش برای امرارمعاش پیش‌تر نمی‌روند. عدم امکان برابری، پیدایش بزرگان و فرزندگان را ممکن می‌کند و برابری برای هیچ‌کس مفید نیست. نابرابری، محرک اصلی تولید ثروت در جوامع متمدن است؛ درحالی‌که مساوات‌طلبی، انگیزه‌ی تولید را از میان می‌برد (همان، ص ۲۰۰).

به نظر هابز عدالت عبارت است از عمل به تعهداتی که فرد از سر منفعت‌طلبی به آن‌ها راضی شده است. هیوم نیز که از آرا و دیدگاه‌های هابز متأثر شده و الهام‌بخش مکتب اصالت فایده^۱ است؛ عدالت را در تأمین منافع متقابل می‌داند. هابز عدالت را همچون فضیلتی اخلاقی می‌داند که در گرو عادت‌های مردم در اجرای قراردادها و وفای به پیمان‌های اجتماعی است؛ بنابراین، وضعیتی درست و عادلانه است که در آن بیش‌ترین رضایت خاطر برای بیش‌ترین افراد و اعضا فراهم گردد (بختیاری، ۱۳۸۰، ص ۹۴).

جان رالز از مهم‌ترین فیلسوفان سیاسی سده‌ی بیستم بوده که نسلی از اندیشمندان سیاسی از او متأثر شده‌اند. در جوهر اندیشه‌ی رالز، عدالت مانند انصاف است که با تأکیدات متفاوت در آثار او نمایانگر شده است. وی دو اصل عدالت را به‌مثابه اصول اخلاقی اولیه‌ی لیبرال دموکراسی بیان می‌کند. وی در اصل اول، از آزادی برابر و فرصت‌های مساوی دفاع می‌کند ولی اصل دوم را ناظر به این می‌داند که در چه جاهایی می‌توان گفت نابرابری‌ها موجه و عادلانه‌اند.

1 . Utilitarianism.

بر مبنای اصل اول - که اصل آزادی برابر خوانده می‌شود - حقوق سیاسی و مدنی هر کس با دیگران برابر است؛ درحالی‌که طبق اصل دوم، لازم است نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به‌گونه‌ای تنظیم شوند که درنهایت به نفع همگان باشند و باب مقامات حکومتی به روی همه گشوده باشد (رالز، ۱۹۷۱، صص ۱۵۶-۱۷۰). (Rawls, 1971, p 156 - 170).

کانت از دیگر اندیشمندان غرب است که در زمینه عدالت دیدگاه خود را بیان کرده است، وی در مورد عدالت می‌گوید: عدالت عبارت است از محدود کردن آزادی هر فرد به‌گونه‌ای که آزادی او با آزادی افراد دیگر هماهنگ شود تا جایی که رعایت عدالت در قانون عام امکان‌پذیر گردد.

کانت در نظریه‌ی خویش در مورد عدالت به مساوات‌طلبی، رفع تبعیض‌های اقتصادی و محرومیت‌زدایی توجه ندارد. دلیل این بی‌توجهی آن است که چنین اموری در برداشت او از عدالت فاقد جایگاه است. وی برای مفهوم عدالت، سه ویژگی اساسی بیان می‌کند:

۱. عدالت فقط به ارتباطات بیرونی افراد با یکدیگر مربوط است و البته تا جایی که اعمال آن‌ها بر یکدیگر اثرگذار باشد.

۲. این مفهوم با آرزوها و تمایلات آحاد جامعه سروکاری ندارد، بلکه به ارتباط اراده‌ی یک فرد با اراده‌ی دیگران منحصر است.

۳. عدالت صرفاً با شکل و قالب ارتباط اراده‌های افراد آزاد درگیر است یعنی رسالت عدالت آن است که طرحی نظام‌مند و قوانینی عادلانه برای اعمال اراده افراد در بستر اجتماع تدوین کند. باین‌وجود در اندیشه سیاسی کانت مفهوم عدالت فقط با یکی از ساحت‌های وجود آدمی - تمایل به آزادی در اعمال اراده‌ی آزاد - پیوند می‌خورد و تمایلات و آرزوها و نیازهای دیگر، با مفهوم عدالت بی‌ارتباط است (واعظی، ۱۳۸۸، صص ۱۷۶-۱۷۸).

بررسی و نقد

۱. بنا بر نظریه‌ی محافظه‌کاری نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی پدیده‌ای طبیعی است؛ درحالی‌که بسیاری از این نابرابری‌ها حاصل اقدامات بشر است.

دیگر اینکه به‌زعم آن‌ها، اگر عدالت و برابری ایجاد شود به شکست می‌انجامد؛ درحالی‌که در طول تاریخ افراد بسیاری تلاش کردند، عدالت را در بین مردم اجرا کنند و حتی تلاش تمامی انبیا

و ائمه (ع) مبتنی بر همین رویکرد بوده است. حال اگر اجرای عدالت در همه احوال به شکست منجر می‌شد قطعاً انبیا و... به دنبال اجرای آن نمی‌بودند زیرا با هدف بعثت آنها در تناقض می‌بود.

۲. لاک در نظریه‌ی خود اذعان می‌کند که اجرای عدالت و برابری، باعث جلوگیری از پیشرفت و ترقی می‌شود؛ درحالی‌که عدالت، برابری در تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی نیست، بلکه عدالت در امور اجتماعی و اقتصادی، در زمینه استفاده از سرمایه‌ها و ثروت‌های ملی است نه اموری که بر اساس تفاوت استعدادها و طبایع صورت می‌گیرد، بنابراین اگر عدالت محقق شود، نه تنها راه پیشرفت و ترقی مسدود نمی‌شود، بلکه بسیاری از افراد انگیزه پیدا می‌کنند که برای پیشرفت و ترقی خود و جامعه تلاش کنند و در مقابل، در صورت عدم تحقق عدالت، بسیاری از افراد برای به دست آوردن سهم خود از سرمایه‌های ملی و... دست به فساد می‌زنند.

۳. هیوم عدالت را با التزام به رعایت قوانین موجود درباره‌ی مالکیت پیوند می‌دهد و تأکید می‌کند که اگر این قوانین رعایت نشوند، آدمیان در وضعیت طبیعی و هرج و مرج ناشی از فقدان قانون و عدالت غوطه‌ور می‌شوند؛ بنابراین وی ارزشمندی و فضیلت داشتن و بایسته بودن عدالت و قوانین آن را از واقعیتی به نام «سودمندی و تأثیر التزام به قوانین» بر دفع هرج و مرج استنتاج می‌کند؛ یعنی «باید» و قضیه ارزشی را از واقعیت «هست» - سودمندی - بیرون می‌کشد و این، همان امری است که هیوم در فلسفه‌ی خویش همگان را به پرهیز از آن دعوت می‌کند. همچنین در خصوص نظریه رالز که عدالت به مثابه انصاف است؛ باید گفت انصاف فقط در ارتباطات و معاملات افراد با یکدیگر محقق می‌شود؛ ولی عدالت علاوه بر این موارد، در جاهای دیگر نیز جاری و ساری است (واعظی، ۱۳۸۴، ص ۲۴).

۴. کانت در نظریه خود می‌گوید عدالت فقط به ارتباطات بیرونی افراد با یکدیگر مربوط است؛ مخصوصاً در جایی که این ارتباط اثرگذار باشد؛ درحالی‌که عدالت علاوه بر وظایف فردی، وظایف اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد.

دیگر اینکه عدالت از دیدگاه کانت فقط با آزادی پیوند می‌خورد و تمایلات و آرزوهای دیگر با عدالت ارتباطی ندارند؛ درحالی‌که انسان علاوه بر آزادی، نیازهای جدی دیگری دارد که لازم است نظریه عدالت نسبت به ملاحظه‌ی همه نیازها جامع بوده و به همه نیازهای بنیادین اجتماعی و اقتصادی و... بشر ناظر باشد (همو، ۱۳۸۸، ص ۲۲۳).

۴-۲. عدالت در اندیشه متفکران اسلامی

در بین دانشمندان اسلامی در مورد عدالت نظریه‌های فراوان و البته متفاوتی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

یکی از نظریه‌پردازان متأخر در این زمینه سید قطب است که در کتاب «العدالة الاجتماعية فی الاسلام» می‌نویسد: طبیعت عدالت اجتماعی در اسلام قابل درک نیست؛ مگر اینکه از جهان‌بینی اسلامی، در خصوص خداشناسی، وجود، زندگانی و انسان، شناختی اجمالی داشته باشیم. او پایه‌های عدالت اجتماعی را بر اساس آزادی مطلق وجدان، مساوات کامل انسانی و تکامل اجتماعی پایدار می‌داند (عیوضلو، ۱۳۷۹، ص ۴۲).

امام خمینی (ره) از اندیشمندان معاصر است که در دیدگاه خود در مورد عدالت می‌گوید: انسان عصاره‌ی همه موجودات و فشرده تمام عالم است. رسالت انبیا این است که این عصاره بالقوه را بالفعل سازند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۵۳). تلاش همه‌ی انبیا ایجاد عدالت اجتماعی و باطنی در انسان است. عدالت صراط مستقیم سیر انسان تا کمال الهی است. در عرصه عمل، حدود مالکیت و میزان مصرف می‌باید بر اساس حق و عدالت و در جهت حداکثر بهره‌وری و رشد و تأمین عدالت اجتماعی باشد (همان، ص ۱۳۶).

از منظر شهید صدر عدالت شرط اولیه رشد ارزش‌های دیگر است که بر دو رکن تکافل عمومی و توازن اجتماعی استوار است. توازن افراد جامعه از حیث معیشت است نه درآمد. تکافل به معنای اهتمام به مصالح جامعه و همفکری و همیاری در جهت تحقق عدالت اجتماعی، شکوفایی استعدادها و بهره‌وری است. *آل جامع علوم انسانی*

وی در ادامه می‌گوید با توجه به تفاوت‌های طبیعی افراد، عدالت اجتماعی، مبتنی بر مالکیت بر کار و ابتدای کار بر نیازهای واقعی فردی و اجتماعی، اصل تأمین نیازهای واقعی، اصل خیرخواهی و اصل حداکثر بهره‌وری شکل می‌گیرد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۶۸۲).

شهید مطهری در کتاب «عدل الهی» عدالت را به معنای ایجاد امکانات مساوی قانونی برای همه و اجرای قانون به‌طور مساوی می‌داند و از جمله وظایف دولت اسلامی را تقسیم عادلانه امکانات و مواد اولیه طبیعی میان افراد می‌شمارد؛ زیرا اختلاف در تصاحب این سرمایه‌ی اولیه

موجب اختلافات بعدی اجتماعی و تبعیض در این مورد، ریشه بسیاری از تبعیض‌ها خواهد بود. به‌زعم ایشان، تکالیف و زحمتی که به مردم تحمیل می‌شود، باید با حق و بهره‌ی آنها متناسب باشد و انسان به میزان کاری که روی چیزی صورت داده، مالک آن است.

۵. عدالت از دیدگاه امام علی (ع)

امام علی (ع) بزرگ‌ترین عادل و مجری عدالت در اسلام است که نظریه‌های دیگر متفکران اسلامی در باب عدالت، از ایشان متأثر شده است. در مورد عدالت دیدگاه‌هایی از ایشان نقل شده است که این دیدگاه‌ها مفهوم عدالت را از منظر آن حضرت ترسیم و تعریف می‌کند.

ایشان اجرای مفهوم عدالت را در تمامی امور زندگی انسان لازم می‌داند، لذا مفهوم عدالت در تمامی این زمینه‌ها کاربرد دارد، ولی آنچه در ادامه می‌آید، تبیین این مطلب است که همواره کاهش فساد مستلزم اجرای عدالت است.

از دیدگاه حضرت علی (ع)، عدالت در بطن اجتماع تحقق می‌یابد. هیچ‌کس در تنهایی خود نمی‌تواند عادل باشد، یعنی یک فرد در ارتباط با شخص دیگر می‌تواند ویژگی عدالت را بروز دهد. بیشتر سفارش‌های آن حضرت مبنی بر ملاحظه حقوق متقابل مردم، مؤید این مطلب است که در کنش متقابل میان افراد جامعه است که عدالت حضور و تداوم می‌یابد و یا بر عکس، عدالت ذبح می‌گردد.

ادعای نگارنده آن است که اجرای عدالت باعث کاهش فساد می‌شود، وقتی گفتار، سیره و عملکرد امیرالمؤمنین (ع) رصد می‌شود دلایل گوناگونی ملاحظه می‌گردد مبنی بر اینکه اجرای عدالت کاهنده‌ی فساد است و برعکس عدم اجرای عدالت موجب افزایش فساد می‌شود.

۱-۵. عدالت به معنای رعایت حق

اولین دلیل مبنی بر اینکه اجرای عدالت می‌تواند باعث کاهش فساد شود این است که آن حضرت عدالت را به‌مثابه‌ی اجرا، رعایت و اعطای حق بیان می‌کنند: «وضع کل شیء فی موضعه؛ قراردادن هر چیزی در موضع و جایگاه خود» (سید رضی، ۱۳۸۴، ص ۷۳۵). این تعریف حضرت با تعریفی که از فساد بیان شد (که به معنای نقص کردن یا شکستن چیزی می‌باشد) در تضاد و مخالفت

است و چون جمع بین ضدین محال است؛ وقتی عدالت تحقق یابد بالطبع فساد از بین می‌رود.

دیگر اینکه مردم در عرصه‌ی زندگی اجتماعی، از حقوق گوناگونی برخوردار هستند و حاکم اسلامی موظف است این حقوق را پاس بدارد و مانع تضییع آن بشود، زیرا خروج از حق و عدول از این مقوله، موجب ستمگری و فساد می‌شود و لذا نه تنها حاکم اسلامی باید حق را رعایت کند، بلکه قشرهای مختلف مردم و همچنین کارگزاران حکومت، به رعایت حق موظف هستند و لذا مکرراً ملاحظه می‌کنیم که آن حضرت در سطح روابط متقابل اجتماعی، بر رعایت حق خویشاوندان، برادران دینی و دوستان و همسایگان تأکید ورزیده‌اند.

«حق را به صاحب حق، هرکس که باشد، نزدیک یا دور، بپرداز و در این کار شکیباش و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار؛ گرچه اجرای حق، مشکلاتی برای نزدیکانت فراهم آورد» (همان، ص ۵۱۷).

آن حضرت در سطح رابطه زمامدار با مردم نیز به حقوقی چون حق مردم، حق آزادی، حق حیات و امنیت شخصی، حق برخورداری از یک زندگی انسانی، حق مبارزه با ستمکار و حق رجوع به محاکم صالح اشاره کرده‌اند. نکته‌ی محوری در اندیشه‌ی حضرت آن است که در تمامی این حقوق، مردم با یکدیگر برابرند و کسی را بر دیگری برتری یا امتیاز خاصی نیست. ایشان در زمینه‌ی رعایت حق و رابطه‌ی آن با کاهش فساد چنین می‌فرمایند: «باید کار مردم در آنچه حق است، نزد تو یکسان باشد؛ زیرا در ستمکاری بهایی برای عدالت یافت نمی‌شود. از آنچه همانند آن را بر دیگران نمی‌پسندی پرهیز کن. نفس خود را در حالی که به پاداش الهی امیدواری و از کیفر او هراسناکی، به انجام دادن آنچه خداوند بر تو واجب گردانیده است، وادار ساز. بدان که دنیا سرای آزمایش است و دنیاپرست، ساعتی در آن نمی‌آساید؛ جز آنکه در روز قیامت از آن افسوس می‌خورد؛ و هرگز چیزی تو را از حق بی‌نیاز نمی‌گرداند» (همان، ص ۵۹۷).

۲-۵. عدالت به معنای مساوات

دومین دلیلی که حضرت علی (ع) اجرای عدالت را موجب زوال فساد می‌دانند، آن است که ایشان، عدالت را در معنای مساوات به‌کاربرده است. نکته‌ی قابل ذکر آن است که مساوات به معنای

برابری افراطی، بدون در نظر گرفتن استعدادهای افراد و تلاش‌های آنان نیست. از نظر حضرت علی (ع)، عدالت در زمینه‌ی اقتصادی به معنای برابری مردم در برخورداری و بهره‌مندی از اموال عمومی (بیت‌المال) و برآورده شدن نیازهای مادی، روانی و اجتماعی همه‌ی مردم است: «آگاه باشید، حق شما بر من آن است که... با همه شما به‌گونه‌ای مساوی رفتار کنم» (همان، ص ۵۶۳).

همچنین در دوره‌ی حکومت آن حضرت، مرزهای سرزمین‌های اسلامی بسیار گسترده شده بود و گروه‌های مختلف قومی و نژادی به اسلام پیوسته بودند، به همین دلیل حضرت، با تأکید بر مساوات، عوامل تبعیض‌آمیزی که مسلمانان را بر اساس نسب و نژاد و رنگ و قومیت بر یکدیگر برتری می‌داد، از بین بردند.

«همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) به‌طور مساوی اموال را تقسیم می‌فرمود، من نیز عمل کردم تا اموال مانند گوی در بین ثروتمندان قرار نگیرد. آگاه باشید، هر فردی از مهاجران و انصار از اصحاب رسول خدا (ص)، خود را در برابر دیگران به سبب مصاحبت با پیامبر (ص) دارای فضل بدانند؛ باید بدانند که فضل روشن در فردای قیامت، نزد خداست. شما مردم بندگان خدا هستید و مال، مال خداست که آن را بین شما به‌صورت مساوی تقسیم می‌کنم و هیچ‌کس را در برابر دیگری برتری نیست. افراد پرهیزکار، فردا [قیامت] پاداش می‌گیرند و آنچه نزد خداست، برای نیکان بهتر است. فردا نزد من آید. نزد من مالی است که میانتان تقسیم خواهم کرد و درباره‌ی هیچ‌یک از شما تخلف نخواهد شد؛ چه عرب باشد، چه عجم؛ اهل عطا باشد یا نه» (محقق داماد، ۱۳۸۲، صص ۷۲ - ۷۳)؛ بنابراین ایشان، تقسیم کردن بخشی از درآمدها برای عموم مردم و تقسیم مساوی در بین آن‌ها و رعایت اعتدال را برای جلوگیری از تمرکز ثروت در دست ثروتمندان و به تبع آن، جلوگیری از فساد را ضروری می‌دانست؛ زیرا بر اساس تعاریفی که برای فساد بیان شد (کاری که برخلاف اعتدال باشد)؛ چنانچه اعتدال و تساوی برقرار نشود، بی‌تردید فساد رخ خواهد داد.

از دیدگاه حضرت علی (ع) تمامی مردم در برابر قانون، برابر و یکسان هستند؛ به همین دلیل نمی‌توان سفید را بر سیاه و دانا را بر نادان ترجیح داد یا قانون را به نفع جناح و گروه خاصی تفسیر و تحلیل کرد؛ بنابراین، تبعیض درجایی که همه دارای حقوق برابرند، نارواست. این بیان گویای نکته‌ای است که عنوان شد: «پرهیز از آنکه چیزی را به خود مخصوص داری که بهره‌ی همه‌ی مردم در آن یکسان است» (سید رضی، ۱۳۸۴، ص ۵۹۱).

همان‌طور که گفته شد از مصادیق فساد، تبعیض و اعمال‌نفوذ، کمک‌های سیاسی غیرقانونی و سوءاستفاده از امکانات و نفوذ می‌باشد، لذا بدیهی است چنانچه تمامی افراد در برابر قانون و امکانات قانونی یکسان باشند، مصادیق فساد رخ نمی‌دهد؛ زیرا یکسان بودن افراد با پارتی‌بازی و تبعیض قابل‌جمع نیست، پس اگر عدالت و یکسان بودن افراد تحقق یابد، فساد از بین می‌رود.

امام علی (ع) در کلامی دیگر خطاب به قضات در زمینه‌ی ضرورت رعایت تساوی بین مردم می‌فرماید: «در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو ناامید نگردند» (همان، ص ۵۰۹).

دستورات آن حضرت به عموم کارگزاران حکومتی و از جمله به قضات که نشانگر آن است که اگر قضات و سایر کارگزاران با مردم به تساوی و عدالت برخورد نکنند، بزرگان (شاید مراد بزرگان جور و ستم باشد) در آن‌ها طمع می‌کنند که این طمع به فساد منجر می‌شود؛ زیرا فساد به معنای اقدام به نفع گروه خاصی است، اما اگر قضات و کارگزاران حکومتی تساوی و عدالت را اجرا کنند، دیگران نمی‌توانند در آن‌ها طمع کنند و طبعاً فسادی رخ نمی‌دهد.

۳-۵. عدالت به معنای رعایت شایستگی‌ها

سومین دلیل اینکه عدالت، زایل‌کننده‌ی فساد است این نکته است که حضرت عدالت را به معنای رعایت شایستگی یا به عبارتی شایسته‌سالاری بیان می‌کنند. عدالت در معنای رعایت شایستگی‌ها، با تلفیق مفهوم رعایت حقوق و تناسب پاداش‌ها و عملکرد و میزان تلاش و کوشش افراد قابل‌درک است. عدالت در جایی محقق می‌شود که در آن شایستگی‌های افراد به‌طور کامل رعایت شود و در واقع: «عدالت، کارها را بدان جا نهد که باید» (همان، ص ۷۳۴).

برای فرماندهی نظامی سپاه، کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر و امام تو بیش‌تر و دامن او پاک‌تر، شکیبایی او برتر باشد؛ دیر به خشم آید؛ عذرپذیرتر باشد؛ با قدرتمندان با قدرت برخورد کند؛ درشتی، او را به تجاوز نکشاند و ناتوانی، او را از حرکت باز ندارد (همان، ص ۵۷۵).

امام علی (ع) در کلام دیگری اجرای عدالت را از عهده‌ی انسان فاسد خارج می‌داند؛ زیرا عدالت و فساد متضاد هستند و نمی‌توان آن‌ها را جمع کرد: «لا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ إِلَّا مَنْ لَا يُضَارِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمُطَاعَ؛ امر خدا را اقامه نمی‌کند؛ مگر کسی که اهل ساخت و پاخت و تشابه و

سازش با دشمنان نباشد و از طمع‌ها نیز پیروی نکند» (سید رضی، ۱۳۸۴، حکمت ۱۱۰، ص ۳۳۳).

«قَوِّ اللّٰهَانِي اِلَى لِقَاءِ اللّٰهِ لِمُشْتَاقٍ وَ حَسَنٍ ثَوَابِهِ لِمُنْتَظَرٍ رَاجٍ وَ لَكِنِّي اَسَى اَنْ يَلِيَ اَمْرَ هَذِهِ
الْاُمَّةِ سَفَهَاؤُهَا وَ فِجَارَهَا فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللّٰهِ دَوْلًا وَ عِبَادَةَ خَوْلًا وَ الصّٰلِحِيْنَ حَرْبًا وَ
الْفٰسِقِيْنَ حِزْبًا؛ به خدا قسم من مشتاق ملاقات خدا هستم و به پاداش نیکوی او
امیدوار؛ اما از آن خوف دارم که امرت به دست سفیهان و فاسقان بیفتد! آنگاه
مال خدا را دست به دست بگردانند و بندگان او را به خدمت گمارند و با صالحان
در جنگ باشند و فاسقان را حزب و یار گیرند» (همان، نامه ۶۲، ص ۳۰۷).

بر اساس این فرمایش، هر کسی صلاحیت اجرای اوامر خداوند را ندارد که یکی از آنها اجرای عدالت است، بلکه باید کسی مجری عدالت گردد که اهل فساد نباشد؛ زیرا کسی که اهل فساد باشد، از منظر عقل و عرف نمی‌تواند عدالت را اجرا کند و جلوی فساد را بگیرد؛ زیرا اجرای عدالت به‌منظور کاهش فساد است و کسی که شاکله‌ی وجودی‌اش را فساد گرفته باشد، نمی‌تواند برخلاف ماهیت خود عمل کند و عدالت را عملیاتی سازد و لذا در حاکمیت این افراد، فساد گسترده‌تر می‌شود.

بر همین مناسبت که برای ایجاد تحول و اجرای عدالت در هر جامعه و حکومت، باید کار را از دست ناهلان و فرومایگان خارج کرد و به دست اهلان و پاک‌باختگان سپرد، نکته‌ای که امام (ع) در سخنان خود به‌کرات مورد تأکید قرار داده‌اند: «يَسْتَدِلُّ عَلَى ادْبَارِ الدُّوْلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعِ الْأُصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ وَ تَقْدِيمِ الْأَرَادِلِ وَ تَأْخِيرِ الْأَفْاضِلِ؛ چهار چیز، نشانه‌ی انحطاط دولت‌ها است: اصول را ضایع کردن؛ به فروع چسبیدن؛ افراد فرومایه و پست را مقدم داشتن و افراد بافضیلت را کنار زدن» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۲).

شرط اساسی برای هرگونه تحول و اصلاح و اجرای عدالت و جلوگیری از فساد، به‌کارگیری کارگزاران و نیروهای شایسته و مدیران لایق و خردمند و با کفایت و مسئولین دردمند و دلسوز از یک‌سو و از سوی دیگر، استفاده از نیروهای توانا و دانا و باتقوا و زجرکشیده و رنج‌دیده و میدان‌دادن به افراد فاسد و نالایق در کارگزاری حکومت است.

۵-۴. مبارزه‌ی مستمر و پیگیر با فساد

از منظر امام علی (ع) چهارمین دلیل این‌که اجرای عدالت باعث کاهش فساد می‌گردد مبارزه‌ی مستمر و پیگیری با مفاسد است. ایشان برای مقابله با فساد، اقدامات و برنامه‌هایی مستمر داشته‌اند به‌گونه‌ای که عمده‌ی اقدامات ایشان در راستای اجرای عدالت بوده است. در جهت تحقق عدالت بوده است که امام (ع) برای برقراری امنیت و حاکمیت اسلام و استقلال جامعه‌ی اسلامی و حمایت از محرومان و مبارزه بی‌امان با ظالمان، توطئه‌گران و فتنه‌گران و مفسدان، به جهاد عمیق و مستمر با ناکثین و قاسطین و مارقین مبادرت ورزید که باید تمامی این اقدامات را زمینه‌ساز تحقق عدالت عنوان کرد.

ایشان یکی از اقدامات اساسی حکومت خود را به‌عنوان ابزاری برای مقابله با فساد، رعایت بیت‌المال و مسائل حیاتی مربوط به آن می‌داند تا جایی که در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «الناس كُلُّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخِرَاجِ وَ أَهْلُهُ؛ مردم همه جیره‌خور و تحت کفایت بیت‌المال و اهل آن‌اند» (سید رضی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۵) و در ادامه همان فرمان نورانی اهداف کلان حکومت اسلامی را بدین قرار بیان می‌کند: «جِبَايَةِ خِرَاجِهَا وَ جِهَادِ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحِ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةِ بِلَادِهَا؛ جمع‌آوری خراج و مالیات و جهاد با دشمنان و اصلاح مردم جامعه و آباد کردن سرزمین‌ها و شهرها، از اهداف کلان حکومت اسلامی است» (همان، ص ۳۶۶) ملاحظه می‌شود که اقدامات حضرت برای اجرای عدالت بوده و بر آن مبنا قلمداد می‌شود که همه مردم از امکانات حکومت به‌طور مساوی بهره‌مند شوند.

از دیگر اقدامات حضرت علی (ع) برای مبارزه با فساد، راه اندازی قوه‌ی قضائیه‌ی عدالت محور بوده است. ایشان در فرمایش حکیمانه‌ای به مالک اشتر، این مسائل را به‌وضوح مطرح می‌سازد: «ثم اختر للحكم بين الناس افضل رعيته في نفسك ممن لاتضيق به الامور، ولا تمحكه الخسوم ولا يتمادي في الزلة ولا يحصر من الفء الى الحق إذا عرفه ولا تشرف نفسه على طمع ولا يكتفى بأدنى فهم دون أقصاه، وأوقفهم في الشبهات، وأخذهم بالحجج، وأقلهم تبرما بمراجعة الخصم، وأصبرهم على تكشيف الامور، وأصرمهم عند اتضاح الحكم، ممن لا يزدهيهم إطرأ ولا يستميله إغراء، و أولئك قليل؛ برای دوری میان مردم، برترین افراد خود را برگزین! از کسانی که دارای سعه صدر باشد و امور گوناگون، او را در تنگنا قرار ندهد و مخاصمه و کینه‌توزی دو طرف دعوا، او را به

خشم و کج خلقی و ندارد و در اشتباهاتش پافشاری نکند و چون متوجه اشتباه خود شود، بازگشت به حق و اعتراف به آن، برایش سخت نیاید و نَفَس او، به طمع تمایل نداشته باشد و در فهم مطالب به اندک تحقیق اکتفا نکند، بلکه مسائل را تا پایان دنبال کند. کسی که در شبهات از همه محتاطتر باشد و در یافتن حق و استناد به ادله، جدی‌تر باشد و از کثرت مراجعه دو طرف دعوا، کم‌تر خسته شود و در کشف امور، از همه صابرتر و شکیباتر باشد و در هنگام روشن شدن حکم و حق، از همه قاطع‌تر باشد. از کسانی باشد که ستایش ستایشگران، او را فریب ندهد و تمجیدهای بسیار، او را از حق متمایل نسازد و عوامل تطمیع و تهدید و تملق و چاپلوسی، او را نفریبد و البته این‌چنین نیروهایی، بسیار کم هستند» (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۳۷۳).

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه فساد انواع مختلفی دارد، طبعاً برای جلوگیری از آن و مبارزه با آن راه‌های متنوع و متعددی وجود دارد و در این زمینه در بین جامعه شناسان و سیاستمداران و سایر صاحب‌نظران، نظریه‌های مختلفی مطرح شده است. یکی از این نظریه‌ها، اجرای عدالت است.

در بین اندیشمندان غربی، نظریه‌های مختلفی در مورد عدالت وجود دارد، برخی قائل‌اند که اجرای عدالت یا امکان ندارد یا اینکه جلوی پیشرفت و ترقی را می‌گیرد و یا اینکه عدالت فقط مقوله‌ای اخلاقی است. به این دیدگاه‌ها اشکالاتی وارد است:

اولاً عدالت مفهومی جامع است و تمام امور زندگی انسان را در برمی‌گیرد.

ثانیاً اجرای عدالت هم امکان ثبوتی دارد و هم امکان اثباتی؛ زیرا در طول تاریخ افرادی وجود داشته‌اند که توانسته‌اند شمه‌ای از عدالت را در جامعه اجرا کنند.

ثالثاً اجرای عدالت نه تنها مانع پیشرفت نیست، بلکه عامل و محرکی برای ترقی و پیشرفت است.

در سیره‌ی علوی اجرای عدالت امری امکان‌پذیر دانسته شده است؛ بدان دلیل که خود آن حضرت عدالت را در جامعه اجرا کردند، به‌علاوه ایشان اجرای عدالت را در تمام زوایای زندگی انسان لازم‌الاجرا می‌دانستند. تلاش‌های فراوان آن حضرت برای اجرای کامل عدالت در جامعه و

توصیه‌های آن حضرت در زمینه‌ی ضرورت تحقق عدالت در تمام ارکان زندگی، گویای اهتمام و توجه ایشان به مقوله‌ی عدالت و گستره‌ی وسیع این مفهوم است و اصولاً در تحقق همین هدف بود که ایشان به مقام شهادت نائل آمد. همچنین چهار دلیلی که در متن پژوهش عنوان شد، گویای آن است که از منظر ایشان همواره عدالت ورزی باعث زوال فساد می‌شود.

در نهایت آنچه میان متفکران غربی و اسلامی و همچنین در سیره‌ی علوی مشاهده می‌شود این است که بین اجرای عدالت و کاهش فساد رابطه‌ی مستقیم وجود داشته و اجرای عدالت باعث کاهش فساد در جامعه می‌شود. در نتیجه اجرای عدالت در جامعه زمینه را برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم می‌سازد.

تشکر و قدردانی:

ابراز نشده است.

تضاد منافع:

نویسندگان تضاد منافی اعلام نکرده‌اند.

منابع

- اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، لبنان - سوریه، دارالعلم - الدار الشامیه.
- افتخاری، لاله (۱۴۰۱)، رسالت کارگزاران نظام اسلامی در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر عهدنامه‌ی مالک اشتر)، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵ بهار و تابستان، شماره ۱، (پیاپی ۹)، صص ۲۷۷ - ۳۰۸.
- بختیاری، صادق (۱۳۸۰)، عدالت و توسعه از دیدگاه امام علی (ع)، اندیشه‌ی حوزه، شماره‌ی دوم، بشیریه، حسین (۱۳۹۰)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم؛ لیبرالیسم و محافظه‌کاری، تهران، نشر نی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات.

- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۶۹)، آخرین پیام، وصیت نامه سیاسی - الهی، تهران، سازمان اوقاف.
- (۱۳۷۸)، آیین انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- داداشی، علیرضا (۱۳۹۰)، مبارزه با فساد اداری در ایران: اقدامات انجام شده و چند راهکار پیشنهادی، فصلنامه‌ی راهبرد توسعه، شماره ۲۷،
- ریبیعی، علی (۱۳۸۳)، زنده باد فساد، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ریبیعی، علی؛ آصف، هاجر (۱۳۹۱)، نقش فرهنگ سازمانی در پیشگیری از بروز فساد اداری، فصلنامه‌ی مدیریت دولتی، شماره ۱۰.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۶۱)، فرهنگ علوم عقلی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- سقای بی‌ریا، محمدناصر (۱۳۹۸)، مقایسه سنن اجتماعی تمدن ساز انبیاء و طاغوتیان از دیدگاه قرآن، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۲ پاییز و زمستان، شماره ۲، (پیاپی ۴)، صص ۲۲۳-۲۴۷.
- سید رضی (۱۳۸۴)، نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم، پارسایان.
- شکراللهی، مسعود (۱۳۷۹)، ظرفیت‌سازی برای سلامت نظام اداری، ارتقای سلامت نظام اداری، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- صبوری، منوچهر (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، بوروکراسی مدرن ایران، تهران، سخن.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۲)، اقتصادنا، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی.
- عباس زادگان، محمد (۱۳۸۳)، فساد اداری، قم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- عیوضلو، حسین (۱۳۷۹)، بررسی و تحلیل امکان‌سازی معیارهای عدالت و کارآیی در نظام اقتصاد اسلامی، رساله‌ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق) کتاب العین، قم، نشر هجرت.

- قدسی، محمد (۱۳۷۹)، *نظام اداری لازم شرط توسعه، ارتقای سلامت نظام اداری*، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- کیانی منش، کامران (۱۳۸۶)، تأملی بر موضوع فساد اداری، www.ict.gov.ir.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۲)، «حقوق بشر»، دانشنامه‌ی امام علی (ع)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۲)، *عدل الهی*، قم، انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۶۲)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، مؤسسه‌ی امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، محدث، میرزا حسین (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- واعظی، احمد (۱۳۸۸)، *نقد و بررسی نظریه‌های عدالت*، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ----- (۱۳۸۴)، *نظریه‌ی عدالت در اندیشه‌ی دیوید هیوم*، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، شماره‌ی ۲۴.
- وثوقی، منصور؛ نیک خلق، علی اکبر (۱۳۸۵)، *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران، بهینه.
- هیوود، پل (۱۳۸۱)، *فساد سیاسی*، ترجمه‌ی محمد طاهری، تهران، انتشارات پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.
- Rawls, John (1971), *A Theory of Justice (TJ)*, Cambridge etc. Belknap Press of Harvard University Press.

Referances

- Esfahani, Hossein bin Muhammad Ragheb (1412 AH), *Vocabulary of Quranic Words*, Lebanon-Syria, Dar Al-Alam - Al-Dar al-Shamia. [In Persian].
- Bakhtiari, Sadegh (2010), *Justice and development from the perspective of Imam Ali (a.s.)*, *Andishe Hozha*, No. 2. [In Persian].

- Bashirieh, Hossein (1390), *History of Political Thoughts of the 20th Century*; Liberalism and conservatism, Tehran, Ney Publishing. [In Persian].
- Tamimi Amadi, Abdulvaheed (1366), *authored by Gharar al-Hakm and Darr al-Kalam*, Qom, Tablighat office.[In Persian].
- Johari, Ismail bin Hammad (1410 AH), *Sahah - Taj al-Lagha and Sahah al-Arabiya*, Beirut, Dar Al Alam for millions. [In Persian].
- Khomeini, Ruhollah (1369), *Last Message, God's Political Will*, Tehran, Awqaf Organization. [In Persian].
- ----- (1378) *Islamic Revolution*, Tehran, Imam Khomeini's (RA) Editing and Publishing Institute. [In Persian].
- Dadashi, Alireza (2018), *Fighting against administrative corruption in Iran: measures taken and some proposed solutions*, Development Strategy Quarterly, No. 27. [In Persian].
- Rabiei, Ali (1383), *Long live corruption*, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance Printing and Publishing Organization. [In Persian].
- Rabiei, Ali; Asif, Hajar (2017), The role of organizational culture in preventing the occurrence of administrative corruption, *Public Administration Quarterly*, No. [In Persian].
- Sajjadi, Seyyed Jafar (1361), *Culture of Intellectual Sciences*, Tehran, Islamic Society of Hikmat and Philosophy of Iran. [In Persian].
- Seyed Razi (1384), *Nahj al-Balagha*, translated by Mohammad Dashti, Qom, Parsayan.
- Shokrollahi, Masoud (1379), *capacity building for the health of the administrative system, promoting the health of the administrative system*, Tehran, Public Management Education Center. [In Persian].
- Sabouri, Manouchehr (2010), *Sociology of Organizations*, Iran's Modern Bureaucracy, Tehran, Sokhn. [In Persian].
- Sadr, Seyyed Mohammad Baqer (2012), *Economist*, Qom, Bostan Kitab Foundation. [In Persian].
- Tareehi, Fakhreddin (1416 AH), *Majma Al Bahrain*, Tehran, Mortazavi bookstore. [In Persian].
- Abbas Zadegan, Mohammad (2004), *Administrative Corruption*, Qom, Cultural Research Office[In Persian].

- Ayuzlu, Hossein (1379), investigation and analysis of the possibility of compatibility of justice and efficiency standards in the Islamic economic system, doctoral dissertation, Tarbiat Modares University, Tehran. [In Persian].
- Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1410 AH) *Kitab al-Ain*, Qom, Hijrat Publishing. [In Persian].
- Qudsi, Mohammad (1379), *the administrative system is a necessary condition for development, improving the health of the administrative system*, Tehran, Public Management Education Center. [In Persian].
- Kiani Menesh, Kamran (2016), *reflection on the issue of administrative corruption*, www.ict.gov.ir [In Persian].
- Mohagheq Damad, Seyyed Mustafa (2012), "*Human Rights*", Imam Ali Encyclopaedia, Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Thought [In Persian].
- Motahri, Morteza (1352), *Adl Elahi*, Qom, Sadra Publications. [In Persian].
- Moin, Mohammad (1362), *Farhang Farsi Moin*, Tehran, Amir Kabir Institute. [In Persian].
- Makarem Shirazi, Nasser, *Tafsir al-Nashon*, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Persian].
- Noori, Muhaddith, Mirza Hossein (1408), *Mustardak al-Wasil and Mustanbat al-Masal*, Beirut, Al-Bayt Institute, peace be upon him. [In Persian].
- Vaezi, Ahmad, (2008), *review of theories of justice*, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian].
- ----- (1384) Theory of Justice in David Hume's Thought, *Philosophical-Theological Studies*, No. 24. [In Persian].
- Vathoqi, Mansour; Nik Khalq, Ali Akbar (1385), *Basics of Sociology*, Tehran, Optimum. [In Persian].
- Heywood, Paul (2008), *Political Corruption*, translated by Mohammad Taheri, Tehran, Strategic Studies Research Center Publications. [In Persian].
- Rawls, John (1971), *A Theory of Justice (TJ)*, Cambridge etc. Belknap Press of Harvard University Press.